

بخش نخست

سرگذشت ملت یهود

و سرزمین اسرائیل



پروفسور امنون نتصر در این بخش از کتاب  
از پیشینه‌ی یهودیان در درازای تاریخ  
از هنگام شکل گرفتن به صورت یک ملت  
تا بازگشت به استقلال ملی  
سخن می‌گوید

گفت و گوی نهم

## آیا "قوم برگزیده" یعنی آن که یهودیان بر اقوام دیگری برتری دارند؟



بشنو ای اسرائیل، پروردگار تو خداوند یگانه است

پرسش - پروفیسور نتصر، معمول است که یهودیان را "قوم برگزیده" می خوانند. می خواهیم بدانیم که این کنیه چه چیزی را بیان می کند؟ آیا مقصود آن است که یهودیان بر دیگر اقوام جهان برتری دارند؟ بالاتر از آن ها هستند؟ باید با تفرعن نسبت به ملت های دیگر رفتار کنند؟ مفهوم این کنیه چیست؟

پاسخ - این پرسشی کاملاً به جاست. ولی پیش از آن که به پاسخگوئی به آن بپردازم، می خواهم تاکید کنم که شوربختانه، برخی آنانی که گرایش های یهودستیزانه دارند، و آنتی سمیتیسم در وجود آن ها ریشه دوانیده، این سخن باطل را نابخردانه و یا مغرضانه تکرار می کنند.

درست است که در تورات مقدس یهودیان به صورت روشن و صریح آمده است "قوم برگزیده". ولی این برگزیدگی به خاطر آن نیست که گویا یهودیان انسان هائی هستند که از

نظر جسم و اندام و یا از هر نظر دیگری که ارتباط با وجود شخصی ما دارد، با دیگران فرق و تفاوتی داشته باشند.

ما یهودیان نباید نه غرور و تفرعن داشته باشیم و نه تکبر از خود نشان دهیم.

می خواهیم این پرسش شما را به صورت پرسش متقابل پاسخ بگوییم:

آیا در آن دوره ای که بنی اسرائیل خدای یکتا و یگانه را شناختند و به موجودیت او اذعان کردند و نخستین قومی بودند که به وحدانیت حق و یگانگی پروردگار پی بردند و الوهیت را درک کردند و با مفهوم آن آشنا شدند، هنگامی که یهودیان به این باور رسیدند که همه چیز در عالم هستی به اراده ایزد یکتا بستگی دارد، هنگامی که آن ها راه اخلاق را پذیرفتند و تصمیم گرفتند که بر اساس ارزش های انسانی زیست کنند و روابطشان با دیگران بنی بشر بر این اصول معنوی و والا استوار باشد، انتظار دارید که خداوند کدام قوم یا ملت را برای گسترده ساختن آموزه های خویش برگزیند و این رسالت را به عهده چه گروهی قرار دهد؟ واژه "برگزیدن" در زبان فارسی برابر واژه "انتخاب" در زبان عربی است و "برگزیده" معادل واژه عربی "منتخب" است.

آیا پروردگار باید برای گسترده ساختن پیام اخلاقی و معنوی و انسانی خود، این رسالت را به عهده اقوام دیگری بنهد که حتی وجود ایزد یکتا را انکار می کنند و یا آن را نمی شناسند و به جای آن در برابر بت ها سر تعظیم فرود می آورند؟

آیا پروردگار این رسالت را به آشوری ها و یا بابلی ها و یا سومری ها و یا کلدانی ها و یا اقوام دیگری بسپارد که هیچ یک حقانیت وحدت الهی را نشناخته و یا باور نداشته اند؟

آیا خداوند می آید و این چنین ملت هائی را "برگزیده" (انتخاب) می کند و یا آن که گزینش خود را متوجه ملتی می سازد که به وحدانیت حق پی برده است؟

ملت یهود شریعت الهی را پذیرفته و ارزش های معنوی و انسانی را چراغ راه خود قرار داده و تصمیم گرفته در دنیای آشوب زده آن دوران نخستین تمدن بشری، بر اساس آن اصول اخلاقی رفتار کند.

فرض بفرمائید که ملت یهود وجود نداشت که به موجودیت حق پی برد ، ملت دیگری بود. مثلاً ملت اندونزی بود که به این موهبت رسید. بسیار طبیعی و منطقی است که پروردگار آن ملت را انتخاب کند و آن قوم را برای اجرای این رسالت "برگزیند".

بنابراین، برگزیدگی ملت اسرائیل به این مفهوم است که ما یهودیان انتخاب شده ایم که خداوند را به ملت های دیگر جهان بشناسانیم.

با خرسندی باید گفت که ملت یهود در انجام این رسالت بسیار موفق بوده است. ملت اسرائیل توانست شمار زیادی اقوام و ملت های همسایه را که همگی بت پرست بودند، با

حقانیت خدای لایزال آشنا سازد و مشعل راه آنان در گزینش ارزش های اخلاقی و انسانی باشد.

شمار زیادی از آن اقوام، و از جمله کلدانی ها، ادومی ها و آشوری ها و دیگران بت پرستی را ترک گفتند و به ستایش پروردگار روی آوردند.

مسلم است که حضرت موسی هنگامی که بنی اسرائیل را از بردگی مصر نجات داد و آنان را دوباره به سوی سرزمین پدری رهنمون گردید، واقعا یک رسالت الهی داشت.

نتیجه آن که ملت یهود بود که از جانب پروردگار برای انجام این رسالت "برگزیده" شد؛ و اگر این رسالت به عهده یهودیان نهاده شد و آن ها در انجام آن موفق نیز شدند، باعث افتخار و خرسندی است.

در کنار یهودیان که شمار آنان در دنیای امروز از ۱۶ - ۱۷ میلیون نفر فراتر نمی رود، یک میلیارد و چند صد میلیون نفر مسیحی وجود دارند که وحدانیت حق را آن گونه که از جانب یهودیان عرضه گردید پذیرفتند.

یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر مسلمانان جهان نیز یگانگی ایزد را بر حسب آن چه که چند هزار سال پیش از ظهور حضرت محمد توسط یهودیان بنا نهاده شده بود پذیرفتند و به خدای عز و جل ایمان آوردند.

پس در یک کلام، یهودیان در اجرای این رسالتی که از جانب پروردگار به عهده آنان نهاده شد، بسیار موفق بوده اند.

پس چه خوب شد که یزدان این رسالت را به عهده یهودیان نهاد. زیرا اگر یهودیان برای انجام این ماموریت گزیده نمی شدند، شاید امروز اکثر مردم دنیا در بت پرستی و جهالت باقی می ماندند.

نتیجه آن که "برگزیدگی قوم یهود" ریشه در همان رسالتی دارد که پروردگار به یهودیان اعطاء کرد و این ایمان و باور در تورات ثبت شده است و نباید این افتخاری را که به ملت یهود اعطا گردید، به برتری نژادی و قومی و یا هر نوع برتری دیگری تعبیر کرد. انسان ها همگی با یکدیگر برابر هستند و باید از حقوق یکسان و وظائف یکسان برخوردار باشند.

پرسش - دوباره می خواهم بپرسم که آیا این برگزیدگی، علامت برتری نیست؟ چرا پروردگار این رسالت را مثلا به فنیقی ها، حیثی ها، یبوسی ها، آشوری ها، کلدانی ها و دیگران نسپرد؟ آیا این به مفهوم آن نیست که یهودیان باهوش تر بودند، با سوادتر بودند، خداپرست تر بودند، با استعدادتر بودند؟ "برتر" بودند؟

پاسخ - آقای امیر شما دوباره بر نکته حساسی انگشت گذاشتید و من دوباره یادآوری می کنم که من یک پژوهشگر هستم و کارم تحقیق است و از دیدگاه های تبلیغاتی به دور هستم.

بعید نیست که یک گروه کوچکی واقعا باور کنند که یهودی برتر و باهوش تر و غیره است. ولی من شخصاً نمی خواهم هیچ گونه تفاوت و تبعیضی بین افراد بشر قائل شوم.

ملت یهود به عنوان انسان، مانند همه انسان های دیگر است.

مساله این نیست که یهودیان از دیگران باهوش تر باشند، بلکه مساله در این است که یهودیان توانستند با تمرکز در مطالعات خویش گنجینه های فرهنگی گرانبهایی به وجود آورند و آن ها را به دنیای معنویت همه اقوام و ابنای بشر هدیه کنند.

خود کتاب مقدس یهود نمونه گویائی از این گنجینه هاست - و پس از آن کتب دیگری مانند میشنا و گمارا (משנה, גמרא, Mishna, Gemara) وجود دارند که با هم کتاب تلمود (תלמוד Talmud) را تشکیل می دهند. کتاب تلمود بابلی و تلمود یروشلمی، و پس از آن کتب میدراش (מדרש Midrash)، که همه و همه میراث فرهنگی و باور دینی یهودیان را در صفحات خود جای داده اند.

هنگامی که شما بخواهید بر اساس معیار گنجینه های معنوی و فرهنگی ملت ها قضاوت کنید، میراث فرهنگی یهودیان همانند یک دریای گسترده و حتی یک اوقیانوس عظیم است.

در میان ملت های آن دوران ، چنین گنجینه ای واقعا سابقه و نظیر نداشته و تا به امروز نیز ندارد.

با توجه به واقعیاتی که بر آن ها انگشت گذاشتم، اگر کسی بیاید و بگوید که ملت یهود از این نظر برتری دارد که توانسته است یک گنجینه فلسفی و اخلاقی و معنوی بسیار غنی به وجود آورد و آن را تقدیم بشریت کند، این قابل قبول است و این برتری وجود دارد - ولی به هیچ وجه سخن از برتری نژادی و یا هر نوع برتری دیگری بر انسان های دیگر در میان نیست.

خوشبختانه در نخستین برگه و آیات کتاب مقدس یهود، این واقعیت که یهودی نباید از جهت های دیگر به هیچ وجه خود را برتر بداند، آورده شده است: "حضرت آدم به شکل و شمایل پروردگار آفریده شده است" (نقل به مضمون) و همه ما فرزندان همان حضرت آدم هستیم و برتری یا تفاوتی با یکدیگر نداریم.

مفهوم و نتیجه این سخنان آن است که کل بشریت از یک نژاد و یک تبار هستند و نوع بشر همه با هم یک سان هستند.

در دین یهود آمده است که انسان باید به هممنوع خویش مانند خودش مهر روا دارد. چنین می خوانیم: "هممنوع خویش را همانند خود دوست مدار" (ואהבת לרעך כמוך ve ahavta lerekh kamokha). چنین نصیحتی در کتب مقدس ادیان دیگر و باورهای مذهبی آن دوران وجود نداشته است.

برای چه شما باید همنوع خویش را مانند خود دوست بدانید؟ زیرا ما همه از یک تبار هستیم و همه با هم خواهر و برادریم. آفریقائی و ژاپنی و ایرانی و اروپائی هیچ تفاوتی با هم ندارند و تورات بر این نکته تاکید می کند و نشان می دهد که کل ابنای بشر همگی فرزندان همان حضرت آدم هستند.

این ها نکاتی است که در یازده فصل اول کتاب تورات نگاشته شده و بعد می رسیم به فصل دوازدهم که به حضرت ابراهیم ارتباط دارد.

فرض بگیریم که چنین نوشته نمی شد، بلکه طور دیگری ثبت می گردید - مانند کتب دینی دیگران. البته ما در بن بستی گیر می کردیم که نمی توانستیم جوابگوی بسیاری از پرسش ها باشیم. ولی وقتی که یهودیان می گویند که همگان فرزندان همان حضرت آدم هستند، نشان می دهند که بر حسب باور یهود، آنان از نظر نژادی و تبار هیچ برتری بر دیگران برای خود قائل نیستند.

تنها برتری که یهودیان می توانند برای خود فرض کنند و درباره آن به سخن پردازند، درست همان برتری هائی است که از نظر فرهنگی و معنوی به آن ها اشاره کردیم.

هنگامی که یک استاد دانشگاه و یک سبزی فروش در خیابان کنار هم راه می روند، ما می توانیم بگوئیم که آن استاد بر آن سبزی فروش برتری هائی دارد. ولی نمی توانیم بگوئیم که آن استاد از نظر نژادی و یا ترکیبات خونی کمترین برتری بر آن سبزی فروش دارد. چنین برتری مطلقاً وجود ندارد و اگر به عقب برویم، هر دوی آنان نوادگان یک پدر بزرگ هستند.

**پرسش - حالا این جا می خواهم بپرسم که چرا یهودستیزان در ادعاهای خود می گویند که یهودیت یک فلسفه نژاد پرستانه است؟**

**پاسخ -** شوربختانه آن یهودستیزان نه تنها این موضوع را مستمسک قرار می دهند، بلکه آنانی که خود را با یهودیان و یهودیت در ستیز می بینند، به هر افترا و ادعائی متشبث می شوند تا شاید این گرایش نژادپرستانه و غیرانسانی خود علیه یهودیان را توجیه کنند و موجه و به حق جلوه دهند.

در واقع، در طول تاریخ جهان و در قرن بیستم میلادی، تنها فردی که بلند شد و ادعا کرد که "قوم من برتر است" آدولف هیتلر بود.

یهودیان هرگز چنین ادعائی نکرده بودند. در هیچ نقطه دنیا یک یهودی بلند نشده بگوید که از نظر نژادی، قوم من بر اقوام دیگر برتری دارد. هرگز چنین نبوده است.

هیتلر آمد و ادعای "برتری نژادی" را به عنوان یک اصل علمی و سیاسی و اجتماعی و فلسفی عنوان کرد. شوربختانه پیش از او اندیشمندانی در اروپا بودند (اگر بتوان نام آنان را "اندیشمند" نهاد) که درباره "برتری نژادی" به فلسفه بافی پرداخته بودند.

یک نمونه آن نویسنده فرانسوی کنت گوبینو (Joseph Arthur Comte de Gobineau) است که حتی در دوران ناصرالدین شاه ملتی سفیر فرانسه در ایران بود. او کتابی نوشت که هدف آن ظاهراً نشان دادن برتری نژادی آریائی ها بود. چند اروپائی دیگر نیز بودند که این گونه اندیشه ها را عنوان می کردند - ولی در تاریخ ملت یهود ادعای برتری نژادی هرگز وجود نداشته است.

**پرسش - آیا سخنان شما به مفهوم آن است که وقتی تورات را مطالعه می کنیم، در آن واژه "نژاد یهود" به کار برده نشده است؟**

**پاسخ -** مطلقاً خیر! اصلاً و ابداً چنین واژه ای در تورات وجود ندارد. تورات ملت یهود را با واژه های متعدد و کنیه های مختلف توصیف می کند: "بنی اسرائیل"، "فرزندان پدران" (فرزندان ابراهیم، اسحق و یعقوب)، "فرزندان سرزمین" (یعنی فرزندان خاک اسرائیل) ولی هیچ نقبی که مفهوم برتری نژادی داشته باشد، در تورات به یهودیان داده نشده است - حتی اگر هم در دوران باستان برخی انبیاء خشمگین می شدند (و چنین مواردی اتفاق افتاده است)، در نوشتارهایشان قصدشان توبیخ ملت یهود و فرا خواندن آنان به دوری از گناه و بازگشت به راه راست بوده است.

انبیائی که چنین اندرزهایی داده اند ، اکثراً متعلق به دوران هائی هستند که سرزمین اسرائیل تجزیه شده و یا زیر ستم بیگانگان قرار داشت. انبیاء با این توبیخ و تنبیه می کوشیدند ملت را به صراط مستقیم بازگردانند. آنان در واقع نقش مربی و آموزگار ملت یهود را ایفاء می کردند و توبیخ آنان جنبه توجیهی داشته است.

ولی حتی این پیامبران نیز هرگز نگفتند که ملت اسرائیل بر دیگر ملت ها و اقوام جهان برتری دارد.

در سخنان این انبیاء هرگز واژه "نژاد" جاری نشده است. تا آن جا که من می دانم، در تورات و دیگر بخش های کتاب مقدس یهود، اصلاً واژه "نژاد" وجود خارجی ندارد.